

A Study of the Descriptive Semantic Field of *Ajr* (Reward) in the Holy Qur'ān Emphasizing the Syntagmatic Relation

Fatemeh Bakhtiari ^{a*}, Batool Meshkinfam ^b

^a PhD in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

^b Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

KEYWORDS

semantic fields,
syntagmatic relation,
great reward,
magnificent, honorable

Received: 22 June 2024;

Accepted: 02 November 2024

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/paq.2024.2033390.3869

ABSTRACT

Each independent semantic field contains a focal word around which other major words are brought. Collocation is a strategy to study semantic fields, with which one can identify the exact meaning of words. The Qur'anic word *ajr* refers to a kind of reward that is the natural result of human deeds but it does not signify its quantity and type. However, its collocation with different modifiers clarifies its quantity and kind. This descriptive-analytical research aims to study the word *ajr* in order to determine the effect of adjectives as collocates on its meaning. A review of the semantic components of the adjectives collocating *ajr* showed that different adjectives, although in general, imply large and abundant rewards, they also indicate the difference in the rank of reward relative to the corresponding action and its performer. Among them *azim* (great) stands at the top because it refers to the propagation of quality and quantity and the increase of the dignity of the person receiving it, and since no one knows its value. *Kabir* (magnificent) reward is a manifestation of the many blessings that Allah gives to his righteous servants. This description of the reward is appropriate for giving good news, and indicates the inherent self-esteem and respect of the reward's recipient. The adjectives *hasan* (fine) and *ghairu mamnoon* (ungrateful) that have been presented in succession imply type, immortality and unrequited reward. On the other hand, the ayahs described using adjectives *karim* (honorable) and *hasan* show some similarity with magnificent reward. Description using *kabir* happens when the amount is very large and description using *Hasan* reflects looking at the nature of that reward in terms of beauty and man's happiness as a result of it.

* Corresponding author.

E-mail address: f.bakhtiari@alzahra.ac.ir

©Author





حوزه معنایی توصیفی اجر در قرآن کریم با تأکید بر رابطه هم‌نشینی

فاطمه بختیاری^{ف*}، بتول مشکین فام^ب

^{الف} دکتری، زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، f.bakhtiari@alzahra.ac.ir
^ب دانشیار، گروه عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران، bmeshkin@alzahra.ac.ir

| واژگان کلیدی | چکیده |
|--|---|
| حوزه‌های معنایی، رابطه هم‌نشینی، اجر عظیم، کبیر، کریم. | امروزه حوزه‌های معنایی مورد اقبال قرآن پژوهان قرار گرفته است. هر حوزه دربردارنده یک واژه کانونی است که الفاظی دیگر تحت عنوان واژگان کلیدی اطراف آن قرار می‌گیرند و یک حوزه مستقل را تشکیل می‌دهند. هم‌نشینی از راهکارهای بررسی حوزه‌های معنایی است؛ که با آن می‌توان به معنای دقیق واژگان دست یافت. واژه «اجر» دلالت بر پاداشی می‌کند که نتیجه طبیعی عمل انسانیست؛ ولی اشاره‌ای به میزان نوع آن ندارد، اما هم‌نشینی اش با اوصاف مختلف کمیت و نوع آن را بیان می‌کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی واژه «اجر» با روش توصیفی تحلیلی است، تا تأثیر هم‌نشینی صفت‌ها و حد و مرزشان بر اجر مشخص شود. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲ | نگاهی به مؤلفه‌های معنایی اوصاف هم‌نشینی «اجر» نشان داد، صفات مختلف هرچند در اصل کلی، دلالت بر پاداش بزرگ و فراوان دارند، اما به تفاوت مراتب پاداش نسبت به عمل مورد نظر و انجام دهنده آن نیز اشاره دارند. در این میان صفت «عظیم» در صدر قرارداد، زیرا دلالت بر تکثیر بصورت کیفیت و کمیت و بالا رفتن شأن پاداش‌گیرنده اش دارد، و کسی مقدارش را نمی‌داند. اجر کبیر بیانگر کثرت نعمت‌هایی است که خداوند به بندگان صالح خود می‌بخشد. توصیف اجر به کریم مناسب مقام بشارت و بیانگر نفاست ذاتی پاداش و تکریم گیرنده پاداش است. صفات «حسنا» و «غیر ممنون» که به دنبال هم مطرح شده‌اند، دلالت بر نوعیت، جاودانه بودن و پاداش بی‌منت و تمام‌نشدنی دارند. از طرفی میان آیاتی که با کریم و حسن وصف شده نوعی مشابهت با اجر کبیر است؛ توصیف به کبیر جایی است که مقدار را از حیث زیادت نشان می‌دهد و توصیف به حسن نگاه به طبیعت آن پاداش از نظر زیبایی و سعادت انسان بواسطه آن جزا دارد. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ | |
| مقاله علمی پژوهشی | |

۱. مقدمه

امروزه مسائل معناشناسی بخشی از دانش زبان‌شناسی است که در فهم قرآن نقش مهمی را ایفا می‌کند. ایزوتسو^۱ معناشناسی را تحقیق و مطالعه در کلمات کلیدی زبان به منظور درک جهان بینی قومی که با آن سخن می‌گویند می‌داند. (ایزوتسو، ۱۳۶۱، ۴) یکی از زیرشاخه‌های معناشناسی حوزه‌های معنایی است، گرچه این اصطلاح در

^۱ Izutsu

کتاب‌های گذشتگان دیده نمی‌شود، اما با رجوع به کتاب‌های آنان می‌توان دریافت که ریشه این علم در میان آن‌ها وجود داشته، با این تفاوت که در گذشته روش مشخصی برای آن وجود نداشت به همین خاطر ما شاهد مباحث زبان‌شناسی از جمله حوزه‌های معنایی به صورت پراکنده در کتابهای گذشتگان در زمینه‌های صرفی، نحوی، لغوی، حتی فلسفی و نقدی می‌باشیم

حوزه معنایی یا «الحقول الدلالية»^۲ «عبارتست از مجموعه‌ایی از کلمات که معانی آن‌ها با هم در ارتباط است و معمولاً تحت عنوان کلی که همه را دربر می‌گیرد جمع می‌شوند یا بخشی متکامل از یک ریشه لغوی است که در زمینه مشخصی با هم اشتراک دارند.» (عمرمختار، ۱۹۸۲، ۷۹) براساس این نظریه، درک معنای یک واژه در گرو درک معانی دیگر واژه‌هایی است که با آن در ارتباط‌اند. از این رو معنای واژه، حاصل رابطه آن واژه با دیگر واژه‌ها در درون حوزه واژگانی است. نسبت‌های معنایی مختلفی میان حوزه‌های معنایی برقرار است، یکی از آن‌ها مطالعه روابط هم‌نشینی^۳ است.

در این پژوهش رابطه هم‌نشینی اجر با صفت‌های همراه آن، مد نظر است. رویکرد معناشناسانه اجر در قرآن کریم با توجه به مجاورت اوصاف هم‌نشین آن از منظر هم‌نشینی می‌تواند انسجام و پیوستگی معارف قرآن کریم را روشن‌تر سازد و همچنین موجب می‌شود معارف نهفته در باطن آیات از طریق بررسی عبارات هم‌نشین کشف شود؛ زیرا کاربرد واژه اجر با اوصاف گوناگون در موقعیت‌های مختلف بیانگر تأثیر صفات مختلف بر وجوه معنایی مختلف این کلمه است. با توجه به این مسئله که یکی از راه‌های فهم مفاهیم قرآن از طریق روابط هم‌نشینی بدست می‌آید، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

۱. واژه «اجر» در بافت و ساختار قرآنی با چه اوصافی هم‌نشین می‌شود؟

۲. واژه «اجر» در کنار اوصاف هم‌نشین خود شامل چه افرادی می‌شود؟

۳. آیا می‌توان بین آیات محتوی واژه اجر با اوصاف آن ارتباط معناداری یافت؟

ناگفته نماند رویکرد تحقیقی پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر نظریه حوزه‌ی معنایی است. در ادامه‌ی این نوشتار، پیشینه‌ای از موضوع بیان می‌شود. سپس، تعاریفی از حوزه‌های معنایی و رابطه هم‌نشینی به شکل ارائه می‌شود و در نهایت تئوری‌های مطرح شده به مرحله اجرا در می‌آید و نتیجه پژوهش مطرح می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به جستجوهای صورت گرفته، مقاله‌ای که مبنی بر پژوهش واژه اجر و هم‌نشینی‌های توصیفی آن به شکل کامل باشد، یافت نشد. در ادامه به مهم‌ترین مقالاتی که در زمینه اجر و مسائل آن نوشته شده، اشاره می‌شود:

- مقاله «موازنات الدلالات المعنویة و اللفظیة لکلمتی «أجر و الثواب» لغویاً و تفسیریاً و ادبياً» از شاکر العامری و سید محمد موسوی بفرویی در مجله دراسات فی اللغة العربیة و آدابها سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسندگان به بررسی ترادف در خصوص دو واژه اجر و ثواب پرداخته و نمونه‌هایی را مثال زده و آن‌ها را از حیث ادبی،

^۲ Semantic Field

^۳ syntagmatic relation

لغوی و تفسیری مورد بحث قراردادده اند.

- مقاله «معنایابی اجر در اختتام آیات قرآن» از صدیقه باقری و مهدی مطیع است، که در نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. در این مقاله به بررسی واژه اجر در اختتام آیات و بررسی رابطه حاکم بر آیاتی که با اجر خاتمه می‌یابد، پرداخته شده است.

- دو مقاله تحت عنوان «الاجر الكبير في القرآن الكبير» و «الاجر العظيم في القرآن الكريم» از عبدالمنعم عبدالله در سال ۲۰۱۶ در مجله الوعی الاسلامی به چاپ رسیده که در آن‌ها به شکل بسیار کلی به توضیح اجرکبیر و اجرعظیم پرداخته است، هر دو مقاله خالی از ساختار شکلی مقاله است، ضمن آنکه تنها به دو صفت کبیر و عظیم پرداخته است. تفاوتی که پژوهش حاضر با پژوهش‌های مطرح شده دارد این است که هم‌نشینی‌های توصیفی اجر به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته‌اند و مؤلفه‌های معنایی اجر در جدولی که در انتهای کار می‌آید به تصویر درآمده است. در نتیجه شاید بتوان گفت این مقاله از اولین پژوهش‌هایی است که در زمینه هم‌نشینی اجر با صفت‌هایش به شکل کاملتری در کل قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. ادبیات نظری تحقیق

۳.۱. حوزه معنایی (الحقول الدلالية)

حوزه معنایی شامل مجموعه‌ای از واژه‌هاست که از جنبه دلالی با یکدیگر مرتبط و دارای اشتراکاتی هستند. این واژه‌ها در ذیل عنوانی عام قرار می‌گیرند که همگی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. به طور مثال واژه رنگ شامل رنگ‌های سرخ، آبی، زرد، سبز، سفید می‌شود. (عمرمختار عمر، ۷۳، ۱۹۸۲) ایزوتسو در تعریف حوزه معنایی می‌گوید: «حوزه معنایی در حقیقت به معنای مجموعه روابط معنایی است که در یک چهارچوب و ساختار ذهنی میان مفاهیم برقرار است. هر دستگاه زبانی در درون خود، گروه واژه‌هایی دارد، هر کلمه کلیدی در کنار دیگر کلمات شبکه پیچیده‌ایی از کلمات را می‌سازد که در معناشناسی «حوزه معناشناختی» نامیده می‌شود. هدف اصلی حوزه‌های معنایی توزیع کلمات بر حسب مشابهاتی است که به محقق در تعیین نوع دلالت کلمه و عدم تداخل آن با مفاهیم دیگر کمک می‌کند؛ همچنین کشف از روابط کلمات با همدیگر و نیز کلمه کانونی است و به این طریق فهم معنای کلمه با مفهوم مجموعه‌ایی از کلمات صورت می‌گیرد که دارای ارتباط معنایی با هم هستند.

۳.۲. نسبت‌های معنایی (العلاقات الدلالية ی): طرفداران نظریه حوزه‌های معنایی به بیان انواع روابط معنایی درون

هر یک حوزه‌های معنایی مطالعه شده می‌پردازند و به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان این روابط را در هم‌نشینی، جان‌نشینی، تضاد، ترادف و شمول معنایی جای داد. اما از آن‌جا که محور کار مقاله بر اساس رابطه هم‌نشینی است، از میان نسبت‌های ذکر شده تنها به رابطه هم‌نشینی پرداخته می‌شود، گرچه ممکن است هر کدام از روابط معنایی مذکور در یک عبارت در کنار هم بیایند، اما از آنجا که در هم‌نشینی اجزای کلام به صورت واحدهای پی در پی قرار می‌گیرند و در علم معناشناسی هم‌نشینی یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام می‌باشد و در این رابطه، واژه‌ها در یک محور افقی قرار می‌گیرند و کلمه در ارتباط با واژگان هم‌نشین سنجدیده می‌شود و براساس این ارتباط، به صورت وصف، تمییز، اسناد فاعل و ... نشان داده می‌شود، در این پژوهش به بررسی هم‌نشین‌های وصفی اجر پرداخته می‌شود.

۳.۲.۱. رابطه هم‌نشینی

۴. واژه «اجر» در لغت و اصطلاح

۴.۱. واژه اجر و مشتقات آن در قرآن ۱۱۰ مرتبه تکرار شده است. ابن فارس می‌نویسد: برای کلمه اجر دو اصل و ریشه است: اول اجرت بر عمل و دوم جبران شکستگی استخوان و جمله «أَجْرَتْ يَدُهُ» در همین معنا به کار رفته است و معنای جامع بین این دو همان جبران است؛ زیرا گویا اجرت بر کار، چیزی است که با آن، خستگی جبران می‌شود. (ابن فارس، ۱۹۹۹، ج ۱: ۶۳) و در العین آمده: اجر پاداش عمل است و اجور جبران شکستگی بر کجی استخوان است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۶۸)

اجر در لغت به معنای ثواب و جزا نیز در نظر گرفته شده: أَجْرَهُ اللَّهُ يَأْجِرُهُ وَيُأْجِرُهُ أَجْرًا. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴، جوهری، ۱۹۸۴، ج ۲: ۵۷۶) و جمع آن اجور است. اجر مزد و پاداشی است که به کار تعلق می‌گیرد چه کار دنیوی و چه اخروی. «الأَجْرَةُ» فقط برای پاداش و مزد دنیوی است. اجر به معنای مزد مادی که در قبال عملی صورت می‌گیرد در سوره‌های قصص آیات ۲۵ تا ۲۷ درباره اجر عمل موسی (ع) در قبال کارهایی که برای حضرت شعیب (ع) انجام داده، به دو صورت اسمی و فعل بیان شده، بعلاوه در سوره اعراف آیه ۱۱۳ نیز واژه اجر در قبال مزد عمل ساحران در قصه حضرت موسی (ع) در سوره قصص (۲۵-۴۶) مطرح شده است. اجر و اجرت درباره عقد پیمان‌هایی که جاری می‌شود بکار می‌رود و همواره برای سود و نفع است نه زیان و ضرر مثل آیه (لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ - ۲۶۲/ بقره) و در آیه (فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ - ۴۰/ شوری) که اشاره به پاداش معنوی است. در مورد عقد قرارداد می‌توان به آیه ۲۷ قصص اشاره داشت: (عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَاجٍ) (یعنی: قرار داد این است که هشت سال برایم کار کنی). فرق میان أَجْرٍ و أَجْرُهُم این است که در - أَجْرْتُهُ - کار از يك طرف است و پاداش از طرف مقابل، ولی - أَجْرْتُهُ - پیمان کار دو جانبه است، اما مزد و پاداش باز هم به عهده يك طرف قرار داد است و در نتیجه از جهت مزد- اجر و اجر به يك معنی برمی‌گردد، چنانکه گفته‌اند: أَجْرَهُ اللَّهُ و أَجْرَهُ اللَّهُ (راغب اصفهانی، ۲۰۰۹، ۶۵) در قاموس قرآن اجر به معنای مزد و پاداشی که در مقابل عمل نیک بانسان می‌رسد معنا شده است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۵) صاحب «تاج العروس» اجر در معنای مهریه زنان را مجازا عنوان کرده است: «وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» نساء: ۲۵ (زیبیدی، ۱۹۹۴، ج ۶: ۱۲) ناگفته نماند در تمام قرآن کریم، اجر در مقابل عمل نیک استعمال شده حتی در آیه «فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَا لِأَجْرًا» (شعراء: ۴۱) زیرا ساحران عمل خویش را آن وقت خوب می‌دانستند. (راغب، ۲۰۰۹، ۶۶)

۴.۲. معنای اجر در قرآن

ا- پاداش اطاعت کردن. ثواب یا دنیوی است یا اخروی که به فرد باز می‌گردد، مانند آیه ۷۲ یونس: «إِنَّا أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ»، و نیز «وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا» (عنکبوت ۲۷). اجر به معنای ثواب و پاداش در قرآن زیاد به چشم می‌خورد، و در قرآن بیشتر به این معنا اطلاق شده است

ب- نفقه زن شیرده مانند: «فَإِنِ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (طلاق: ۶) می‌توان گفت این همان اجرت و مزد کار است؛ زیرا شیردادن همانند سیراب کردن گوسفندان شعیب در آیه ۲۵ سوره قصص است که به معنای پرداخت مزد است.

ج- مزد و پاداش مادی مقابل عمل انجام شده: مانند: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ» (یوسف: ۱۰)
 د- مهریه همسران: مانند آیه ۲۴ نساء: «فَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً». أجورهن یعنی مهرهن؛ اینکه از مهر تعبیر به اجر شده، بدین جهت است که در عوض منافع که همان استمتاع است قرار گرفته است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۸)
 بطور کلی معانی و تفسیرهای ذکر شده تفاوت‌های بنیادی ندارند. بازگشت همه آن‌ها به چیزی است که در برابر عمل و کاری داده می‌شود و تفاوت تنها در نوع عمل است؛ گاهی عمل معنوی و برای خداوند و اجر دهنده خداوند است و گاهی عمل مادی و برای دیگری است؛ مثل کار اجیر برای مزد مهریه دادن به زنان. واژه اجر در آیات قرآن به صورت ترکیب‌های وصفی و اضافی بیان شده و همواره به نوعی مورد توضیح و توصیف قرار گرفته است.

۵. اوصاف هم‌نشین اجر

کلمه اجر در قرآن دلالت بر پاداش مادی و معنوی دارد و بیانگر نتیجه طبیعی اعمال انسان است، بنابراین اتصاف آن با صفاتی مانند کبیر، عظیم، غیر ممنون، و... حالت و شدت آن را بیان می‌کند، این هم‌نشین‌ها هر کدام بعدی از ابعاد آن را روشن و یک وجه از معنای آن تکمیل می‌کنند.

جدول ۱: فراوانی اوصاف هم‌نشین واژه اجر در قرآن کریم

| ردیف | اوصاف اجر | فراوانی |
|------|-----------|---------|
| ۱ | عظیم | ۱۹ |
| ۲ | کبیر | ۵ |
| ۳ | کریم | ۴ |
| ۴ | غیرممنون | ۴ |
| ۵ | حسن | ۲ |

۵.۱. هم‌نشین «اجر» با «عظیم»

۵.۱.۱. معنای لغوی: عظیم در برابر حقیر استفاده می‌شود، یعنی برتری قدرت و ریاست چه معنوی و چه مادی. به همین علت به استخوان در مقابل گوشت اطلاق می‌شود، زیرا استخوان قوی‌ترین عضو بدن است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۷۵) عظیم یعنی کسی که قدرتش از حد و مرز عقل فراتر رفته تا آنجا که احاطه به ذات او قابل تصور نباشد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۱۱۷)

۵.۱.۲. از اوصاف هم‌نشین اجر واژه عظیم است که ۱۹ مورد بدون فاصله صفت برای آن واقع شده و پرکاربردترین وصف هم‌نشین اجر است. عظیم از صفات مشترک بین عذاب و اجر است که بیانگر بزرگ و عظیم بودن عذاب و اجر الهی است و به منظور انذار و تبشیر در کنار اجر و عذاب قرار گرفته‌ست. اجر عظیم یعنی خیری نامحدود که تنها خدا مقدار آن را می‌داند. (ابن جریر، ۱۴۱۲، ج ۶: ۹۲) و خلق از کنه آن بی‌خبرند. (قرطبی، ۲۰۰۰، ج ۶: ۱۱۰)
 از جمله آیاتی که عظیم هم‌نشین اجر شده، آیه ۹ سوره مائده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» خطاب آیه مومنان است، خداوند به آن‌ها در مقابل ایمان و عمل صالح وعده اجر بزرگی را می‌دهد. میان ایمان و عمل صالح ارتباط وجود دارد و بیشتر آیات دربردارنده اجر عظیم مربوط به ایمان آورندگان واقعی است، واژه ایمان از کامل‌ترین مقولات برای تمام ارزش‌های اخلاقی و دینی مثبت، بلکه کانون تمام اوصاف و خصلت‌های مثبت است. با مراجعه به بافت آیاتی که این ترکیب در آن‌ها به کار رفته است این نکته حاصل می‌شود، که اجر عظیم

نشان دهنده اجری بزرگ است که در حد اعلا قرار دارد. از موارد شایان ذکر در این آیه هم‌نشینی شدن اجر عظیم در کنار پاداش‌های دیگر مانند «مغفرت الهی» است که همراه با فعل «وعد» بکار رفته است. طباطبایی می‌گوید: «مغفرت عبارت است از پوشاندن و محو اثری که گناه در نفس به جای گذاشته و رحمت عبارت است از عطیه‌ای الهی که گناه و اثر حاصل آن در نفس را می‌پوشاند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۶۸۶) لذا می‌توان گفت از آنجایی که مغفرت الهی محو کامل گناه است، به گونه‌ای که از نفس هم محو می‌شود و عفو الهی، محو اثر و نتیجه گناه است، در این آیات از مغفرت نام برده، تا علاوه بر بخشش گناهان به دور شدن آن‌ها از عذاب هم اشاره شود. در مورد فعل «وعد» می‌توان گفت که خداوند وعده‌ایی را داده و آن را محقق می‌کند. در کنار «وعد» نام خداوند در نقش فاعلی و به صورت اسم ظاهر بیان شده است؛ شاید در توجیه این امر بتوان گفت که خداوند خود مستقیماً این پاداش را مهیا می‌کند. واژگان «مغفرت» و «اجر عظیم» در آیات ذکر شده به صورت نکره بیان شده‌اند و این امر می‌تواند دلالت بر تعظیم و بزرگ بودن مغفرت و اجر الهی داشته باشد. نجفی درباره ترکیب «اجر عظیم» می‌گوید: «اجر عظیم یعنی خدا از باب تفضّل اضافه بر آن وعده‌ای که در مقابل عمل نیکوکاران داده پاداش بزرگی نیز به آنان عطا خواهد کرد.» (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۲۳۷) در آیاتی که مغفرت و اجر هم‌نشینی هم آمده‌اند، ابتدا از مغفرت و سپس از اجر سخن به میان آمده است، علت تقدیم مغفرت بر اجر را می‌توان اینگونه تفسیر کرد که خداوند در همان که آن‌ها را از عذاب الهی نجات می‌دهد، پاداشی عظیم هم نصیب‌شان می‌کند.

در برخی آیات دیگر علاوه بر ایمان، هجرت در راه خدا و مجاهدت در راه او با مال و جان زمینه‌ساز اجر بزرگ است. «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (توبه: ۲۰-۲۲)؛ در این آیه مومنین را قطعاً رستگاران معرفی کرده که چندین پاداش مادی و معنوی به آن‌ها عطا شده است: «رحمت»، «رضوان الهی»، «بهشت با نعمت‌هایی همیشگی» که در آن جاویدان خواهند بود و در پایان با آوردن جمله اسمیه «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» بر این امر تأکید می‌ورزد که این اجر بزرگ تنها در نزد خداوند وجود دارد.

از دیگر آیاتی که موضوع آن اجر عظیم است، آیات ۹-۱۰ سوره مائده است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

در این آیات به مومنان صالح، وعده اجر عظیم و مغفرت داده شده و چون وعد به خدا با فعل ماضی اسناد داده شده، بر محقق الوقوع بودن وعده الهی و تأکید بر وقوع آن دلالت دارد، زیرا خداوند خلف وعده نمی‌کند، و ترکیب «لهم مغفرت و اجر عظیم» این وعده را تبیین کرده است. زیرا اسمیه آمدنش بیانگر ثبوت و دوام اجر است و استعمال حرف «لام» نیز دلالت بر رحمت خدا دارد که به آنان اختصاص یافته و نشان از ملازمت بهشتیان به این اجر است. ابن‌کثیر این اجر را از باب رحمت الهی دانسته و می‌گوید: «این پاداشی که مومنان دریافت می‌کنند بخاطر اعمال آن‌ها نیست، بلکه از باب رحمت الهی است، گرچه سبب وصول به این رحمت اعمال آنان است و خداوند این اعمال را وسیله‌ایی برای نیل به رحمت و فضل خود قرار داده است.» (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸، ج ۲: ۵۲۲) پس اجر از باب فضل الهی است که باعث شده عمل آنان به ظاهر مسبب اجر عظیم شود اما اصل آنست که خداوند قصد داشته رحمت خود را به مومنین عطا کند.

با مراجعه به آیاتی که اجر هم‌نشین عظیم شده، این نکته حاصل می‌شود که «اجر عظیم» به صورت نکره بیان شده که دلالت بر بزرگ بودن و بسیاری این اجر در نزد خداوند دارد. در این آیات اسلوب بکاررفته غالباً مشابه هم است و اکثراً یا به صورت جملات شرطیه و یا به صورت اسمیه مقرون با حرف تأکید «إِنَّ» در آیات قرآن دیده می‌شوند. اجر عظیم در پاسخ مجاهدان (نساء، ۷۴، ۹۵، توبه ۲۰-۲۲)، صدقه دهندگان و زکات دهندگان و نمازگزاران (نساء ۱۶۲، ۱۱۴) مصلحین (نساء ۱۱۴) مخلصین و مبارزان با کفار، بیعت کنندگان با رسول (فتح ۲۹، ۱۰) کسانی است که از خداوند طلب توبه نمایند و به ریسمان الهی چنگ بزنند (نساء ۱۴۶) و صدای خود را بر رسول بالا نبرند (حجرات ۳) در یک کلام مومنین و متقین هستند که مشمول این اجر عظیم قرار می‌گیرند، که در آیه ۳۵ احزاب: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِماً» به طور کامل معرفی شده‌اند. در این آیه از فعل «أَعَدَّ» استفاده شده است در توجیه این امر باید گفت: درست است که خداوند این پاداش و مغفرت را برای مؤمنین مهیا کرده، اما شرط تحققش این است که مؤمنان باید ایمان و عمل صالح را با هم داشته باشند.

در برخی آیات اجر عظیم در کنار فعل «آتی، یؤتی» به همراه حرف «س» آمده که این مطلب دلالت بر این معنا دارد که آن‌ها به زودی پاداش عظیم خود را دریافت می‌کنند. (نساء ۱۶۲، ۱۴۶، ۱۱۴، ۷۴، فتح ۱۰) لازم به ذکر است فعل «آتی» در مواردی که مربوط به مزد دنیوی است غالباً خالی از حرف مستقبل «س» آمده، اما در مواردی که مربوط به اجر معنوی است به دو صورت دیده می‌شود. (نساء ۶۶، ۴۰) تنها در سوره مزمل آیه ۲۰ ترکیب اجر عظیم به شکل مقلوب «اعظم اجرا» استفاده شده، اما بهر روی مضمونش مشابه آیاتی است که در آن‌ها ترکیب اجر عظیم بکار رفته است و افرادی مشمول این پاداش می‌شوند که نماز می‌گذارند و زکات پرداخت می‌کنند، در راه خدا مهاجرت و جهاد می‌کنند. در این آیه خدا از تمام این اعمال تحت عنوان «خیر» نام می‌برد و می‌فرماید: «ما تقدموا لانفسكم من خیر» و در نهایت در جواب شرط می‌گوید آن را نزد خداوند به صورت خیر و بزرگترین و عظیم‌ترین پاداش دریافت می‌کنید.

۶. هم‌نشینی واژه «اجر» با «کبیر»

۱. ۶. کبیر: از اسامی و صفات حسناى الهی به معنای بزرگ و صاحب کبریایی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۱۲۵-۱۲۶) واژه کبیر به تناسب موصوف خود در معانی متعددی مانند مقام، منزلت و کهنسالی در نظر گرفته می‌شود. (راغب، ۲۰۰۹، ۶۹۶-۶۹۷) مراجعه به آیات قرآن نشان می‌دهد که واژه کبیر نوعاً در ذیل آیاتی آمده که سخن در قدرت و احاطه خداوند است. (قرشی ۱۳۷۱، ج ۶: ۷۳) این واژه در قرآن در کنار اجر به معنای بزرگ است و از این لحاظ با کلمه عظیم هم‌معنی است، البته تعداد تکرارش در کنار اجر کمتر از «عظیم» است. در تفاسیر اجر کبیر معنی «ثواب عظیم و جزای جزیل و بسیار» (ابن جریر، ۱۴۱۲، ج ۱۵: ۳۷)، «سود بیشتر و نفع بزرگتر» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰: ۱۶۱) دارد و اجر کبیر یعنی بر حسب ذات و بر حسب تضعیف دلالت بر عدد ده و بیشتر دارد. (ابوسعود، ۱۹۹۹، ج ۵: ۱۵۸)

۲. ۶. تفاوت «کبیر» و «عظیم» از نگاه لغت‌شناسان: با وجود اینکه به نظر می‌رسد بین این دو مترادف معنایی

وجود دارد، اما لغت‌شناسان تفاوت‌هایی قائل شده‌اند:

أ: «عظیم» در مقابل «حقیر» و تقابلهشان به تضاد است، اما «کبیر» در مقابل «صغیر» است. تقابل کبیر و صغیر نسبی است؛ یعنی یک چیز نسبت به چیز دیگر می‌تواند کبیر باشد، ولی به تناسب چیز بزرگ‌تر می‌تواند صغیر محسوب شود به خلاف «عظیم» که هیچ وقت حقیر بر آن اطلاق، نمی‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۷)

ب: عظیم، قوی‌ترین مرتبه و بالاترین درجه از کبیر است، اما کبیر، بر مطلق رفعت دلالت می‌کند. (همان، ج ۸: ۱۷۶)

ج: عظیم از جهت کثرت و غیرکثرت است و به همین علت خداوند با کلمه عظیم مورد توصیف قرار می‌گیرد و به کثیر توصیف نمی‌شود. کبیر و عظیم هم در مورد اجسام و مادیات و هم در امور معنوی و روحی به کار می‌روند. (همان، ج ۱۰: ۱۸-۲۰)

۳.۶. هم‌نشینی کبیر با اجر: این صفت پنج مرتبه در کنار اجر ذکر شده که در سه موردش هم‌نشینی مغفرت شده است. در این آیات، مضمولین اجرکبیر به یک شکل معرفی شده‌اند، یعنی افرادی که در وهله اول ایمان دارند و در وهله دوم اعمال صالح مانند «انفاق کردن» و «صبر ورزیدن» انجام می‌دهند و همچنین شامل حال افرادی است که از خداوند «خشیت» دارند و خداوند به آنان بشارت اجر زیاد می‌دهد. (آیات سوره ملک ۱۰-۱۲، هود ۱۰-۱۱، فاطر ۷، حدید ۷، اسراء ۹-۱۰) واژه کبیر در این آیات بیانگر کثرت نعمت‌هایی است که خداوند به بندگان صالح می‌بخشد و در این معنا با واژه عظیم تفاوت خود را آشکار می‌کند؛ البته در این آیات «مغفرت» از هم‌نشینی‌های دیگری است که در ارتباط با اجرکبیر قرار دارد و نشان دهنده چشم‌پوشی خدا از گناهانشان و دور کردن آن‌ها از عذاب است؛ زیرا لازمه دور بودن از عذاب، مغفرت الهی است. خداوند ابتدا مسئله بخشش و سپس پاداش را مطرح می‌کند. در این آیات همانطور که سخن از وعده خداوند به اجرکبیر است، به عذاب صنف مقابل با واژه‌هایی مانند «عذاب»، «عذاب الیم»، «عذاب شدید» هم اشاره می‌شود. ابن‌عاشور «اجرکبیر» را تفسیر به «بهشت» و «عذاب الیم» را تفسیر به «جهنم» کرده است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۳۴) به عنوان نمونه در آیات ۹ و ۱۰ سوره اسراء آنجا که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِينَ هُمْ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» تقابل بین «یؤمنون و لایؤمنون» و «اجرکبیر» با «عذاب الیم» به خوبی مشهود است؛ همین تقابل در سوره ملک آیات ۱۰-۱۲ نیز مشهود است.

در همه موارد بجز سوره هود آیه (۸) واژه عذاب به صوت نکره آمده است، علت «این است که به اهمیت آن عذاب اشاره کند، علاوه بر این، عذاب جهنم به یک شکل نیست، تا آن را با الف و لام بیاورد، چون درکات جهنم به خاطر اختلافی که مردم در کفر و فسق دارند، مراتب مختلفی دارد، و بدین جهت نکره آوردن عذاب مناسب‌تر است، چون مبهم و سر بسته است. همان دو علتی که برای نکره آوردن عذاب گفته شد، در نکره آمدن مغفرت و اجر نیز می‌آید.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۲) بطور کلی کلماتی که در هم‌نشینی هم واقع شده‌اند و بیانگر تقابل عذاب و اجر می‌باشند عبارتند از: «اجر»، «عذاب»، «یؤمنون»، «لایؤمنون»، «مغفرت»، «بشارت». واز جمله افعالی که تبیین‌کننده‌ی معنا عذاب هستند «اعتدنا» و «حاق بهم» هستند که مبین آماده کردن آن‌ها برای عذاب و محصورشدنشان در آنست.

در هر پنج مورد اجر به صورت نکره عنوان شده تا دلالت بر تفخیم معنای پاداش باشد و معنای بهشت نیز در آن‌ها

مدنظر است. آیاتی که اجر هم نشین کبیر شده، دلالت بر همیشگی بودن نعمت‌های خدا به مومنان، رفع تکلیف و در امان ماندن از عذاب و رضایت خداوند دارد. (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۰۶) پس با کاربرد واژه‌ی کبیر نعمت‌های زیادی مدنظر قرار گرفته شده که در ساختاری موجز به همه آن‌ها اشاره شده است.

نکته دیگر اینکه اجر در چهارموضع در نقش مبتدای مؤخر و خبرش بصورت جار و مجرور «لهم» مقدم بیان شده که دلالت بر تخصیص پاداش به مومنان را دارد و تنها در سوره اسراء به صورت منصوب و موخر در نقش اسم «إِنَّ» بیان شده است. تقدیم خبر «لهم» دلالت بر تخصیص پاداش بسیار دارد و با «إِنَّ» بر این تخصیص تأکید شده است.

۷. همنشینی واژه «اجر» با «کریم»

۱.۷. کریم: از کرم و کرامت به معنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزت است. کرم صفت جامع برای هرگونه فضل و بلندی است. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۰۳). کریم به معنای بسیار پرخیر، بخشنده، جواد و منعم معنا شده است. (زهری، ۲۰۰۱، ج ۱۰: ص ۱۳۲) راغب می‌گوید: کرم اگر وصف خدا واقع شود مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می‌شود، به کسی کریم نگویند مگر بعد از آنکه آن اخلاق و افعال از وی ظاهر شود که در نوع خود شریف است، در نتیجه با کرم توصیف می‌شود؛ پس در هر آیه از قرآن که لفظ کریم یا کرامت و یا فعل آن آمد با در نظر گرفتن سیاق می‌توان آن را به یکی از معانی چهارگانه که گفته شد در نظر گرفت. (راغب، ۲۰۰۹، ۷۰۷) به نظر می‌رسد در آیاتی که واژه کریم صفت اجر قرار گرفته معنای عظیم و بسیار هم در آن دیده می‌شود. لذا می‌توان گفت که کریم به نوعی جانشین عظیم شده است. فخررازی اجر کریم را به پاداشی که به مؤمن داده می‌شود، در حالی که آنرا طلب نکرده، معنا کرده است. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵: ۲۱۶)

۲.۷. هم‌نشینی اجر کریم: در چهارآیه «حدید ۱۱، ۱۸، احزاب ۴۴، یس ۱۱» که صفت «کریم» هم‌نشین اجر شده با اسلوب مشابهی در ترکیب کلمات روبرو هستیم، در این آیات سخن از قرض نیکودادن مؤمنان به خداوند است که در ازای آن خداوند پاداش مضاعفی را به آن‌ها عطا می‌کند و این دو چندان بودن با بخشندگی و صفت کریم بودن در تناسب است. در میان واژه‌هایی که یضاعف بیشترین رابطه هم‌نشینی با آن‌ها دارد، باید از واژه قرض نام برد که در اصل به معنای بریدن و قطع کردن مال است و به صورت استعاری برای قرض دادن استفاده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۱۶). الگوی قرض دادن مال که امری مادی است، در قرآن به الگوی معنوی آن در قبال خدا تغییر یافته است که می‌توان از آن به عنوان کاربرد استعاری در مفهوم جدید استعاره در نظر معاصرین یاد کرد. همنشینی بین مضاعفه و قرض را می‌توان این‌گونه توجیه کرد، از آنجا که قرض نیز مانند کرم، نوعی بخشش و إعطاء است به عنوان همنشین «ضعف» و به معنای بخششی چند برابر و هم‌نشین ماده کرم خواهد بود.

در اطراف کلمه کانونی اجر با مضمولین آن سروکار داریم: صدقه‌دهندگان زن و مرد و خشیت‌کنندگان از خداوند. در آیات ۱۱ و ۱۸ سوره حدید واژه قرض با صفت «حسن» هم‌نشین شده، یعنی «قرضی نیکو» مد نظر است و نه هر نوع قرض دادنی و به این ترتیب نوعی تخصیص رقم خورده است. در آیات مذکور با صدقه‌دهندگانی مواجه‌ایم که خداوند صدقه دادن آن‌ها را به قرض دادن تشبیه کرده، البته تفاوت آن با قرض دادن در دنیا این است که خداوند چند برابرش را به آن‌ها می‌دهد و برای تخصیص دادن اجر کریم به صدقه‌دهندگان خبر (لهم) بر مبتدا (اجر) مقدم شده، تا این اختصاص را به خوبی به تصویر بکشد. در همه موارد اجر کریم به صورت نکره و منون عنوان شده تا دلالت بر فراوانی و پر

ارزش بودن این پاداش کند.

در آیه ۱۱ سوره یونس اجر کریم شامل افرادی است که از خداوند خشیت دارند لذا به آنان بشارت مغفرت و اجر کریم با هم داده شده است. در سوره ملک آیه ۱۲ «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» نیز همین آیه ذکر شده، اما در آن به جای «اجر کریم» از «اجر کبیر» استفاده شده است و همانطور که در بالا گفته شد از معانی کریم بسیار بودن پاداش است که با واژه کبیر با این معنا مشترک است لذا کبیر جانشین کلمه کریم شده است.

در سوره فاطر آیه ۳۰ «لِيُؤْفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ» به جای فعل «يضاعف»، از لفظ «یزیدهم» استفاده شده است. هردو فعل به معنای فزونی فضل و اجر از جانب خداوند است که در هم‌نشینی اجر قرار گرفته‌اند. در این آیه خداوند برای بیان پرداخت حق آنان به طور کامل از واژه «توفی» استفاده کرده و به این امر اذعان دارد که اجر آن‌ها را به شکل کامل پرداخت می‌کند و علاوه بر حق خودشان به آنان پاداش بیشتری نیز عطا می‌کند. ذکر واژه «فضل» در این آیات نیز بی‌علت نیست؛ فضل به معنای احسان و لطف غیر واجب است. راغب «فضل» را به معنای زیاده از حد در هر امری، و نیز به معنای عطیه‌ای که بخشنده را در بخشش ملتزم و مجبور نمی‌کند، می‌داند. (راغب، ۲۰۰۹، ۶۳۹) پس این از فضل الهی است که در روز قیامت بهتر و افزونتر از آنچه انسان‌ها عمل خیر انجام داده‌اند، به آن‌ها ارزانی می‌دارد.

بطور کلی مشمولین اجر در دو گروه جای دارند یکی از جهت عام و آن ایمان به خدا و خشیت از او در خلوت و دیگری مشمولین خاص و آن انفاق کنندگان در راه خداوند هستند، علت اینکه انفاق در دو مورد از چهار مورد ذکر شده، دلالت بر جایگاه آن در اعمال صالحه دارد و این کار مستحق اجر کریم که همان بهشت است می‌باشد. وجه افتراقی که در خصوص اجر کریم در سوره یاسین آیات (۱۰-۱۱) و اجر کبیر در سوره ملک (۶-۱۲) وجود دارد تقابل بین دو گروه کافر و مومن است، در سوره ملک (۵-۱۲) از خشیت الهی سخن گفته شده، خشیتی که ناشی از تدبیر باشد و خداوند نیز در قبال آن اجر کریم و مغفرت عطا می‌کند:

«وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ۝ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابَ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۖ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورٌ ۖ فَاَعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فُسْحُقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۙ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۙ»

در آیات مذکور «کریم و مغفرت» پاداش‌هایی برای خاشعینی است که از روی عقل نسبت به خدا ترس دارند این دو پاداش به صورت نکره بیان شده‌اند، تا دلالت بر نعمت‌ها و بخشش‌هایی کند که کنه آن بر ما ناشناخته است.

در آیات (۱۰-۱۱) سوره یس نیز سخن از خشیت الهی است، اما به جای ترکیب «اجر کبیر» از «اجر کریم» سخن گفته شده است: «وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۙ ۱۰ إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۙ»

توصیف اجر به کریم مناسب مقام بشارت است و به همین جهت گفته شده «بشیره بمغفرة واجر کریم» زیرا بشارت تنها درباره امور عظیم بکار می‌رود. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۵: ۱۴۲) از طرفی با نگاهی به سیاق درمی‌یابیم که اجر کریم در سوره یس در تقابل با جزای کافرین قرار گرفته: «أَنَا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَاقًا فَهِيَ الِى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْتَحَمُونَ ۙ» و این در حالی است که اجر کبیر در سوره ملک در مقابل گمراهی بزرگی آمده که کافران به آن متهم هستند، پس توجه به بافت کلام علت هم‌نشینی شدن اجر با دو صفت کریم و کبیر و نیز خاشعین را تبیین می‌کند.

۸. هم‌نشینی «اجر» با «غیرممنون»

۸.۱. معنای لغوی «ممنون»: اصلش از «مَن» به معنای قطع کردن است و از آنست: «لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» فصلت: ۸ یعنی برای آن‌هاست پاداش غیرمقطوع وابدی. (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۹۱) «فیومی» در مصباح (فیومی، ۲۰۰۰، ج ۲: ۵۸۱) نیز ممنون را «مقطوع» ترجمه کرده و می‌گوید مرگ را از آن جهت «ممنون» گویند که قاطع زندگی است. ابن فارس می‌گوید: «واژه- مَن- با تشدید- ن- چیزی است که با آن وزن می‌کنند.» (ابن فارس، ۱۹۹۹، ج ۵: ۲۶۷) پس بطور کلی «غیرممنون» چند وجه معنایی دارد: پاداش بدون منت واذیت، غیرمقطوع، نامحدود و پاداش بدون نقص وکمبود. به نظرمی‌آید در آیاتی که ممنون هم‌نشین اجر قرار گرفته نوعی زیادت و فزونی پاداش وجود دارد؛ و همان‌گونه که «فخررازی» می‌گوید: «شایسته است که لفظ بر کل حمل شود، چون شرط پاداش، دستیابی به کل است.» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱: ۱۰۶)

۸.۲. هم‌نشینی «اجر غیرممنون»: این ترکیب در چهارآیه آمده است. (فصلت ۷، انشقاق ۲۵، تین ۶، قلم ۳)

«مَمْنُونٍ» اگر از «مَن» به معنای قطع باشد، به معنای پاداش بی انقطاع است و اگر از «منت» باشد به این معناست که الطاف الهی بی‌منت است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۲۷۷). ظاهراً در آیات معنای اول نیز منظور باشد، زیرا به رخ کشیدن نعمت از جانب خداوند عیب نیست، بلکه انگیزه‌ای برای شکر واطاعت از اوست. در آیات «۴-۸ سوره تین، ۶-۸ فصلت، ۲۲-۲۵ انشقاق» مضمون یکی است؛ در آن‌ها دو گروه مؤمنین و کافرین در تقابل با هم قرار گرفته‌اند. در سوره فصلت ابتدا سخن از کافران است که زکات نمی‌دهند و به آخرت اعتقادی ندارند، پس خداوند آن‌ها را با ذکر کلمه «ویل» وعید «عذاب» می‌دهد و در مقابل به مؤمنین و صالحین نوید پاداش دائمی را می‌دهد، همین مضمون در سوره انشقاق نیز تکرار شده با این تفاوت که نوع تنبیه کافران را «عذاب الیم» بیان کرده و آن را مقابل اجر غیرممنون قرار داده است. در سوره تین آیات ۴-۸ به سرنوشت کافران که در «اسفل السافلین» اشاره شده و در مقابل به مومنان، صالحان و معتقدان به معاد پاداش همیشگی و غیرمقطوع را بشارت داده‌ست. در سوره قلم نیز با شیوه‌های مختلف مانند اسمیه آوردن آیه و ذکر «إِنَّ» به منظور تاکید و الحاق «لام ابتدا» بر ثبوت این پاداش تأکید ورزیده است؛ پس در این آیات واژه اجر در تقابل با عذاب مطرح شده و همانطوری که بر نوعیت عذاب دردمند اشاره شده، بر پاداشی همیشگی و لذت بخش نیز اشاره شده است؛ ناگفته نماند خداوند عمل صالح را به نوعی مقید نموده، مثلاً در سوره انشقاق ایمان به معاد و معارف قرآن بیان شده در سوره فصلت: «وَيَلِّ لِلْمُشْرِكِينَ ۶ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۸» علاوه بر ایمان به آخرت، عمل صالحی مانند زکات مطرح شده است.

در این آیه ذکر عذاب قبل از ذکر توحید و توجیه بندگان برای رفتن به سمت توحید و طلب بخشش آمده است. کلمه «ویل» در این آیه جانشین عذاب شده است. ویل به معنای عذاب شدید، هلاکت، شر و آنچه از خونابه اهل جهنم جاری می‌شود و یا نام کوهی از آتش یا نام وادی در جهنم است. (ابن جریر ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۹۹-۳۰۰، ابن کثیر، ۱۹۹۸، ج ۱: ۲۰۵، ابوسعود ۱۹۹۹، ج ۱: ۱۲۰، خفاجی، د.ت، ج ۲: ۱۹۰) به هرروی آنچه از کلمه «ویل» برداشت می‌شود بر تهویل و ترس دلالت دارد و سیاق آن در ساختار نکره به نوعی این معنا را تقویت می‌کند و «از آنجا که معنای دعایی دارد کلام با آن آغاز شده است.» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۹۰، آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳۰: ۶۸) و چون دعا از جانب خداوندست شاید بتوان گفت دلالت بر نهایت خشم و غضب الهی دارد.

در این سوره به برخی از اعمال ناپسند کفار مانند شرک به خدا و عدم پرداخت زکات اشاره شده است. برخی

مفسرین مانند ابوحنیفان و زمخشری در توجیه این امر گفته‌اند: «محبوبترین چیز برای انسان مال اوست، پس اگر آن را در راه خدا بخشید، محکم‌ترین دلیل بر ثبات و استقامت او در راه حق و بیانگر صدق نیت اوست.» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۴۳، ابوحنیفان، ۱۴۲۰، ج ۷: ۴۶۴) پس در صورت دادن زکات و گذشت از اموال مستحق پاداشی همیشگی است. پس از ذکر عقوبت کفار از جزای مؤمنان سخن به میان آمده‌ست، جمله نوعی استیناف بیانی است، گویا پرسیده شده اگر زکات پرداخت کنند و شرک نوزند چه می‌شود؟ در پاسخ گفته‌شده برای آنان پاداشی همیشگی است و «به خاطر اهتمام و توجه به مومنین، «لهم» بر اجر غیرممنون مقدم شده است.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۲۴۰) مفسرین در تفسیر غیرممنون اقوال مختلفی دارند برخی آن را به معنای غیرمقطوع (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۴۳، رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۱۰۰، بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۷: ۳۳۸) و عده‌ای آن را «غیرمنقوص» (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱۴: ۱۶۵، ابوسعود، ۱۹۹، ج ۷: ۵) تفسیر کرده‌اند. فخررازی این تفسیرها را در یکجا گردآوری کرده و می‌گوید: «در واژه غیرممنون چند معنا وجود دارد یکی پاداشی که به آن‌ها می‌رسد بدون منت نهادن و اذیت کردن آن‌هاست، دوم اینکه این نعمت تمام ناشدنی است، سوم اینکه باعث مکدر شدن خاطر مومنین نیست و چهارم آنکه در آن نقصانی بوجود نمی‌آید و بهتر است که همه این معانی در اجر غیرممنون حمل شود، گویا خدا به مومنان وعده پاداشی را داده که خالص از هرگونه زنگار و همیشگی است و از آن کم نمی‌شود و این بیان نوعی ترغیب در انجام دادن عبادات است.» (رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۲۴۱) پس اجر غیرممنون را می‌توان اشعار بر اکرام کامل مومنان از سوی خدا دانست، لذا غرض از اجر غیرممنون یعنی اجر بدون منت، تمام ناشدنی و همیشگی است. در آیاتی که واژه ممنون بکار رفته همگی به معنای همیشگی و نامحدود بودن نعمت‌های خداوند است و این تفسیر با معنای اولیه «من» که به معنای قطع است مناسب است و اگر با توجه به معنای اولیه‌ای که راغب گفته نیز سنجیده شود به گونه‌ای با آن مناسب است، زیرا وقتی نعمتی بی‌پایان باشد یعنی دیگر مقدار پذیر نسیت و اندازه‌گیری نمی‌شود، در اینجا نیز ممنون با آمدن کلمه «غیر» قبل از آن معنای وزن و مقدار بودن آن نفی شده است.

در آیات ۶-۸ سوره فصلت «فَأَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ» واژه ویل بر مشمولین عذاب مقدم شده، اما مومنان مشمول ثواب «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» بر «اجر غیرممنون» مقدم شده است، علت این تقدیم و تأخیر شاید آن باشد که مشرکان، توحید الهی را که امری واضح بود، تکذیب کردند، پس در عذاب آن‌ها تعجیل صورت گرفت، تا براین مهم اشاره شود که هرکس این امر واضح را انکار کند و استغفار نکند به عذابی سخت دچار خواهد شد و این تعجیل در عذاب با تقدیم کلمه «ویل» بر مشرکین مشهود است، در حالی که برای مؤمنین چنین چیزی وجود ندارد و آن‌ها برای بدست آوردن ثوابی که همیشگی است تعجیل دارند، لذا واژه مومنان مقدم بر اجر غیرممنون شده است. ترکیب اجر غیرممنون نیز در آیات ۲۲-۲۵ سوره انشقاق نیز در تقابل با عذاب الیم آمده است: «بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۲۲ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۲۳ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۲۴ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۲۵» آیات توصیفی از رویگردانی کافران از ایمان است، و از آنجا که از ویژگی‌های اخلاقی آنان تکذیب و مخالفت با حق است، خداوند برای بیان این صفت اخلاقی از فعل مضارع «یکذبون» با اسم موصول الذی خبر داده است، «یعنی افرادی که به این ویژگی که به آنان خبر داده می‌شود مشهور هستند.» (قزوینی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۰۳، ۳۰۲) در نتیجه خداوند هم با بیانی تهکمی از فعل «بیشر» در سیاق تهکم استفاده نموده و به آنان بشارت عذاب دردناکی را می‌دهد

که «نشانگر نهایت خشم الهی است.» (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۲۱: ۲۵۰) و سپس با بکارگیری اسلوب استثناء مومنان را از کفار جدا کرده و بمنظور تکریم مومنان وعده اجر بی‌پایان را می‌دهد و برای بیان این اختصاص «لهم» را مقدم بر اجر غیرممنون کرده است، یعنی جزای که تمام نشدنی، همیشگی و متناسب با اعمال صالحی است که بطور متناوب انجام می‌دهند، این پیایی بودن عمل را می‌توان از ساختار فعل مضارع یعملون دریافت. ابن‌عاشور این زیادت در ثواب و پاداش را مایه زیادت حزن کفار عنوان کرده است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۲۳۵) برخی از مفسرین از نبود حرف عطف «ف» بر سر جمله ثواب سخن گفته‌اند که مشابه آن در سوره تین آیه ۶: «الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیرممنون» با حرف «ف» بیان شده است. نیشابوری می‌گوید: «سخن در آن جا بر اساس استیناف بیانی است، لذا احتیاجی به «ف» ندارد، اما در سوره «تین» حرف «ف» و استئناف بعنوان مقدمه‌ای باهم جمع شده‌اند.» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰: ۵۷) ابوسعود نیز می‌گوید: «در اینجا جمله استینافیه مقرر شده است که آن را می‌توان از اسلوب استثناء متوجه شد، زیرا عذاب از آن‌ها نفی شده و جمله بیانگر کیفیت ثواب و دلالت بر اجر عظیم دارد.» (ابوسعود، ۱۹۹۹، ج ۹: ۱۳۴) پس علت را می‌توان جمله استینافیه‌ای دانست که بیانگر مستثنی کردن مومنان از عذاب و بدست آوردن اجر عظیم برای آنان است، البته بقاعی نظر متفاوتی را ارائه می‌دهد، و علت نبود حرف ف در عبارت اجر غیرممنون در سوره انشقاق را از باب رحمت الهی نسبت به بندگان می‌داند و در ادامه می‌گوید: «در سوره تین سیاق آیه حرف «ف» را می‌طلبد، زیرا بافت آیات در بیان مدح مومنین است و لذا به صورت «فلهم...» در سوره تین آمده است.» (بقاعی، ۱۴۲۷، ج ۸: ۴۷۵) به نظر می‌رسد این تفسیر در فهم برخی آیات مانند آیه ۷ فاطر «والذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و اجر کبیر» و آیه ۸ فصلت قابل توجیه باشد و خالی بودن این دو آیه از حرف عطف «ف» را از باب رحمت بندگان به خدا و آمدن حرف «ف» در سوره تین را اشاره به شأن و منزلت مومنین و مدح آنان به شمار آورد. در سوره قلم (آیه ۳): «وإن لک لاجرا غیرممنون» نیز غیرممنون دلالت بر پاداشی کامل، بی‌نقص و همیشگی دارد. در سوره‌های فصلت، انشقاق و تین تصریح بر تحقق ایمان و عمل صالح نسبت به مومنین شده و در سوره قلم این مفهوم به صورت ضمنی دریافت می‌شود، زیرا در این آیه به پاداش رسول خدا که افضل مومنان صالح است، اشاره دارد و در خلال آن می‌توان متوجه شد که پیروی کنندگان از رسول نیز در ایمان و عمل صالح مشمول این اجر می‌شوند، پس می‌توان گفت میان عدم انقطاع پاداش با استمرار ایمان و عمل صالح مومنان با مناسبت است.

۹. هم‌نشینی «اجر حسن»

۹.۱. وصف اجر حسن دو مرتبه در سوره‌های کهف آیه ۲ و فتح آیه ۱۶ آمده است و بیانگر نوعیت اجراست. حَسَن (بر وزن فرس) وصف، به معنی زیبا و نیکو (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۳۴) است. منظور از اجر حسن بهشت (ابوسعود، ۱۹۹۹، ج ۵: ۲۰۳) نعمت‌های بهشت (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۳۶۳) و پاداش زیبا در نزد خداوندست (ابن‌کثیر، ۱۹۹۸، ج ۴: ۳۶۵). ترکیب اجر حسن در دو موضع بیان شده هم‌نشین واژه «بأس» شده است. در سوره کهف: «فَإِذَا لِيُذْرَبَ بِأَسَاسِدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ۚ مَكْتَبِينَ فِيهِ أَبَدًا» سخن از تقابل دو مقوله معنایی «عذاب» و «پاداش» است. کلمه «بأس» در این آیه جانشین کلمه عذاب شده و با صفت «شدید» که از توصیفات عذاب به شمار می‌آید، همراه شده است. در این آیه وعد و وعید خداوند با کلمات «بندر» و «بیشر» که در تقابل هم قرار گرفته‌اند، مطرح شده تا دقت نظر انسان را به مسئله حسابرسی اعمال و

دقت بندگان نسبت به اعمال خود را بیشترکنند.

«طبرسی» در تفسیر «جوامع الجامع» می‌گوید: «فعل ینذر از افعال دومفعولی است که مفعول آن «الذین کفروا» حذف شده و به مفعول دوم آن یعنی «بأسا شدیدا» اکتفا شده است.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۵۲) اما «سلطان علیشاه» بر نظر دیگری است و عنوان می‌کند: «خدا انذار و ترساندن را بصورت مطلق آورد تا اشعار براین باشد که انذار برای مؤمنین و کفار است برخلاف بشارت و مژده که مخصوص خوبان است، وانذار مؤمنین از جهت آمیختگی و شایبه‌ی کفر است وگرنه حیثیت ایمان مقتضی بشارت دادن است نه انذار و ترساندن.» (سلطان علیشاه، ۱۴۰۸، ج ۲: ص ۴۵۸) ابن عاشور در این بیان با او هم‌نظر است و حذف مفعول اول «ینذر» را به قصد عمومیت دادن تفسیر کرده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۱۱) البته با نگاهی به سیاق آیه نیز می‌توان متوجه این حذف‌شد، زیرا در ادامه آیه سخن از بشارت مومنین است و بالطبع به نظرمی‌رسد مقصود از انذار مختص به کافران باشد. مراغی در تفسیر خود در باب ترکیب «بأس شدید» بر این نظر است که منظور از عذاب، دنیوی و اخروی است؛ در دنیا عذاب استیصال و در آخرت عذاب جهنم. (مراغی، ۱۴۱۹، ج ۱۵: ۱۱۵) و ابن عاشور با او در این نظر هم‌نظر است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۱۱) در این آیه پاداش نیکو از آن افرادی با ایمان است که درکنار ایمان به خدا دست به انجام عمل صالح نیز می‌زنند، در نتیجه خداوند هم برای قطعیت و تأکید بر این پاداش با بیان جمله به صورت اسمیه و آوردن حرف تأکید «إِنَّ» و تقدیم خبر «لهم» و نکره آوردن «اجر حسن» بر این وعده صحه می‌گذارد و برآن تأکید می‌ورزد که قطعا پاداشی نیک برای مومنان منظور شده است. فخررازی اجر نیک را به بهشتی تفسیر کرده که مومنان برای همیشه در آن جاودانه هستند. (۱۴۲۰، ج ۴: ۱۵۰) علاوه بر فخررازی، میبیدی در «کشف الاسرار» (۱۳۷۱، ج ۵: ۶۴۲)، زمخشری در «تفسیر کشاف» (۱۴۰۷، ج ۲: ۷۰۳) و طبرسی در «مجمع البیان» (ج ۲: ص ۳۵۲) اجرا حسنا را به بهشت تفسیر کرده‌اند. واژه بکار گرفته شده «ماکثین»، از واژه مکث به معنای استقرار در مکان گرفته شده است. با توجه به ساختار آیه می‌توان گفت: عبارت «ماکثین فیه ابدًا» دلالت بر عدم انقطاع و تحول در نعمت الهی نسبت به مومنین دارد و حرف جر «فی» که دلالت بر ظرفیت دارد بیانگر تمکن مومنان بر نعمت و احاطه نیکی به آنان از هر طرف دارد. ابن عاشور این واژه را مجاز گرفته و آنچه از لذت‌ها را که نصیب حال مومنان می‌شود، به ظرفی تشبیه کرده که در آن حالت استقرار دارند، پس دلالت اجر حسن مانند ظرفی است که آن‌ها را احاطه کرده است، به گونه‌ای که همیشه در آن جاودان‌هاند و قید «ابدًا» را تأکیدی برای معنای ماکثین نمی‌داند، بلکه ماکثین و ابدًا را با هم دال بر احاطه و دوام و ثبوت می‌داند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۵: ۱۲)

دومین جایگاهی که ترکیب «اجرا حسنا» در آن ذکر شده، سوره فتح آیه ۱۶ است: «قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتَدْعُونَ إِلَيَّ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» در این آیه نیز «اجر حسن» در تقابل با «عذاب الیم» قرار گرفته است و در آن نیز مانند سوره کهف اسلوب شرط حاکم است. در این آیات رسول خدا از اعراب می‌خواهد که بزودی در جنگی که برگزار می‌شود شرکت کنند و اگر بپذیرند پس خداوند به آن‌ها اجر نیک که همان دخول در بهشت است عطامی‌کند و در غیر این صورت، عذابی دردناک در انتظار آنان است. ترکیب عذاب الیم در این آیه به صورت مفعول مطلق بکار رفته تا بر دردناک بودن عذاب تأکید شود. در آیه ۱۷ همین سوره بار دیگر بر این مضمون به شکل دیگری تأکید می‌شود و اجر و عذاب مورد تأکید

قرار می‌گیرند: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۷» یعنی: هرکس در فرمان جهاد از خدا و رسول اطاعت نماید به بهشت خواهد رفت «وَمَنْ يَتَوَلَّ» و هر کس از فرمان خدا و رسول در امر جهاد سرپیچی کند و از رفتن به جنگ عقب‌نشینی نماید. «يُعَذِّبُهُ عَذَابًا أَلِيمًا» در این آیه واژه «يطع» در تقابل با «یتول» و «عذاب الیم» در تقابل با «جنات» قرار گرفته تا تکلیف دوگروه بوضوح مشخص شود.

در جدول زیر مؤلفه‌های مشترک مطرح شده در آیات مربوطه به اجر تبیین می‌شود تا وجوه افتراق و اشتراک بین اوصاف اجر مشخص شود.

جدول ۲: مؤلفه‌های مشترک اجر و اوصاف هم‌نشین آن

| واژه اجر و مؤلفه‌های معنایی آن | | | | |
|--------------------------------|--------|-------|--------|--------|
| اوصاف | مؤمنین | پاکان | صالحین | عظیمین |
| تعداد تکرار | ۴ | ۵ | ۴ | ۱۹ |
| ایمان به خدا | + | + | - | + |
| اجر به معنای بهشت | + | + | + | + |
| تقابل اجر با عذاب | + | + | - | + |
| ایمان به رسول | - | - | + | + |
| ایمان به معاد | - | - | - | + |
| عمل صالح | + | + | + | + |
| صابرین | - | - | - | + |
| محسنین | - | - | + | + |
| مومنین | + | + | + | + |
| عاملین | + | + | + | + |
| خشوع‌کنندگان | - | - | + | + |
| نمازگزاران | - | - | - | + |
| انفاق‌کنندگان و صدقه‌دهندگان | - | - | + | + |
| جهادکنندگان | - | - | - | + |
| زکات‌دهندگان | - | - | - | + |
| مغفرت و تکفیر سیئات | - | - | + | + |
| شهداء | - | - | - | - |
| آمرین به معروف | - | - | - | + |
| توبه‌کنندگان | - | - | - | + |
| صائمین | - | - | - | + |
| وفای به عهد | - | - | - | + |
| اجر بی‌پایان | - | + | + | + |
| مضاعفت اجر | - | - | + | + |
| اجر در آخرت | + | - | + | + |
| اجر در دنیا | - | - | - | - |

۱۰. نتایج

۱. واژه اجر ۱۱۰ مرتبه در قرآن اکثرا به صورت مصدر عنوان شده است. از بیشترین صفاتی که هم‌نشین واژه اجر شده می‌توان به ترتیب از واژگان «عظیم»، «کبیر»، «کریم»، «غیرممنون» و «حسنا» نام برد. در این میان صفت «عظیم» در صدر قرار دارد، زیرا دلالت بر تکثیر به صورت کیفیت و کمیت دارد. در آیتی که سخن از اجر عظیم است از بالاترین مرحله ایمان یعنی تقوی سخن گفته شده، اما در دیگر انواع اجر سخن از دیگر مراتب ایمان است. توصیف اجر

- به عظیم بیانگر بالا رفتن مقام و شأن پاداش‌گیرنده آن دارد، به گونه‌ای که کسی از مقدار آن خبر ندارد. دو صفت «حسنا» و «غیرممنون» که به ترتیب دنبال هم مطرح شده‌اند، دلالت بر همیشگی و جاودانه بودن اجر دارند.
۲. واژه اجر در تمامی موارد در معنای خیر و مثبت به کار رفته و در اکثر آیات هم‌نشینی ایمان و عمل صالح آمده است، این امر بدان معناست که ایمان بدون عمل صالح جایی ندارد و نیز باید قبل از اجر، عمل و کاری صورت پذیرفته باشد تا شخص استحقاق اجر را داشته باشد. اسلوب این آیات غالباً به صورت جمله «جواب شرط» و با ساختار اسمیه و غالباً با حرف تأکید «إِنَّ» و تقدیم خبر بر مبتدا که دلالت بر ثبوت پاداش از جانب خداوند دارد، مطرح شده است.
۳. در این آیات غالباً شکنجه و پاداش در تقابل با هم مطرح شده‌اند، و این تقابل اکثراً با واژه کانونی عذاب و هم‌نشینی با صفاتی مانند «الیم» و «شدید» که دلالت بر کمیت عذاب دارند، همراهند. در برخی آیات نیز این تقابل با جانشین‌های واژه عذاب مانند «بأس» و «ویل» عنوان شده است.
۴. در آیاتی که اجر هم‌نشینی مغفرت شده، مغفرت مقدم بر اجر شده که این امر بیانگر فضل الهی و ذکر دو نوع پاداش از جانب خداوند است، زیرا هم بخشش گناهان در نظر گرفته شده و هم اجر و بهشت خداوند به آنان تعلق می‌گیرد.
۵. در آیاتی که سخن از صبر است، دو نوع پاداش قابل مشاهده است، زمانی که خدا از صبر در برابر سختی‌ها و مصیبت‌ها سخن گفته از «اجر کبیر» و آنجا که صبر مطلق بیان شده از «اجر بغیر حساب» استفاده کرده است، این مطلب نشانگر این موضوع است که میان آمدن صفات مختلف با اجر رابطه سیاقی هدفمند وجود دارد.
۶. با توجه به مؤلفه‌های مشترک در اوصاف هم‌نشینی واژه «اجر» می‌توان گفت: «ایمان»، «عمل صالح»، «تقوی»، «صبر»، «زکات» از عوامل زمینه‌ساز پاداش هستند. صفات مختلفی که برای اجر، بیان شده، هر چند در اصل کلی دلالت بر پاداش بزرگ و فراوان دارند و حتی مصداق بهشت را بری آنان تفسیر کرده‌اند، اما در عین حال این صفات اشاره به تفاوت مراتب ثواب و پاداش نسبت به عمل مورد نظر و انجام دهنده آن دارند؛ از آن جمله می‌توان به این مراتب اشاره کرد:
- الف) «اجر کبیر»: یعنی اجری که هم به حسب ذاتش و هم به حسب عدد بزرگ باشد، عددی که کمترین مقدار آن ده برابر شدن است. گویا اشاره به آیه «هرکس کار نیکی انجام دهد ده برابر به او پاداش دهند.» (انعام ۱۶۰) دارد، یا آن که مراد از آن پاداشی باشد که جز خداوند کسی کمیتش را نمی‌داند.
- ب) «اجر عظیم»: یعنی خدا از باب کرم و تفضل در مقابل عمل صالح نیکوکاران پاداش بزرگی به آنان عطا خواهد کرد.
- ج) «اجر کریم»: یعنی پاداش نیکو در آخرت که همراه با تکریم و گرمی داشت مومنان است، به آنان عطا می‌شود.
۷. با نگاه به آیاتی که در آن اجر، وصف به کریم و حسن شده نوعی مشابهت با اجر کبیر وجود دارد؛ بنظر می‌رسد توصیف به کبیر جایی است که مقدار جزاء را از حیث زیادت نشان می‌دهد و توصیف به حسن نگاه به طبیعت آن پاداش از نظر زیبایی و سعادت انسان بواسطه آن جزا دارد. توصیف اجر به کریم بیانگر نفاست ذاتی پاداش و تکریم به گیرنده پاداش است.
- همچنین ملاحظه شد توصیف به کبیر و عظیم بغیر از اجر در کنار کلماتی مانند ضلال و فساد و عذاب هم بکار رفته

است، اما توصیف به حسن تنها در کنار اجر و رزق و آنچه شبیه این دو در معانی خیر و خوبی است بکار رفته است.

۱۱. منابع

- قرآن

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن محمود (۱۹۹۸). تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۲. ابن فارس (۱۹۹۹). معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام هارون، قم: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن عطیه اندلسی، أبو محمد عبدالحق (م ۵۴۲هـ) (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴) لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. ابوسعود، محمد العمادی (۱۹۹۹). ارشاد العقل السلیم الی مزایا الکتب الکریم، بیروت: الکتب العلمیه.
۷. ازهری محمد بن احمد (۲۰۰۱). تهذیب اللغة، تحقیق محمد عوض مرعب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. احمد مختار، عمر (۱۹۸۲). علم الدلاله، چاپ اول، کویت: دار العروبه.
۹. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۰. ایزوتسو، توشهیکو (۱۳۷۸ ش). ساختمان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: قلم.
۱۱. ایزوتسو، توشهیکو (۲۰۰۷ م) الله والانسان فی القرآن علم دلاله الرؤیه القرآنیه للعالم: ترجمه هلال محمد الجهاد. بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
۱۲. اندلسی، أبو حیان محمد بن یوسف بن علی (المتوفی: ۷۴۵هـ) (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
۱۳. باقری، مهری (۱۳۸۸ ش). مقدمات زبان شناسی. تهران: نشر قطره.
۱۴. بارت، رولان (۱۳۷۰ ش). عناصر نشانه شناسی. ترجمه مجید محمدی. تهران: هدی.
۱۵. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷). نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، تحقیق عبدالرزاق غالب المهدی، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۱۶. بیضاوی، ناصر الدین أبوسعید (م ۶۸۵هـ) (۱۴۱۸). أنوار التنزیل وأسرار التأویل. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. پالمر، فرانک رابرت (۱۳۹۱ ش). نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کوروش صفوی، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۸۴). الصحاح، تحقیق عطار احمد عبدالغفور، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.

۱۹. خفاجی، شهاب‌الدین أحمد بن محمد بن عمر (م ۱۰۶۹ هـ)، (د.ت). حَاشِيَةُ الشُّهَابِ عَلَى تَفْسِيرِ البَيْضَاوِيِّ، الْمُسَمَّاةُ: عِنَايَةُ الْقَاضِي وَكَفَايَةُ الرَّاضِي عَلَى تَفْسِيرِ البَيْضَاوِيِّ، بيروت: دار صادر.
۲۰. خطیب القزوينی، ابن یعقوب المغربي، بهاء‌الدین السبکی (۱۳۹۳). شروح التلخیص، چاپ اول، قم: ذوی القربی.
۲۱. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین بن محمد (۲۰۰۹). المفردات فی غریب القرآن، محقق ابراهیم شمس‌الدین، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلی للمطبوعات.
۲۲. رگعی محمد، شعبان نصرتی (۱۳۹۷). میدان‌های معنایی در کاربست قرآنی. چاپ دوم، قم: دارالحدیث.
۲۳. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار چاپ سوم، بیروت: الکتاب العربی.
۲۴. زبیدی، مرتضی (۱۹۹۴). تاج العروس من جواهر القاموس، محقق علی شیری، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۲۵. سلطان علیشاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۴۴). بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران.
۲۶. شریفی، علی (۱۳۹۴ ش). معناشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان با تأکید بر ایزوتسو. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۷. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). مبانی معناشناسی نوین. تهران: سمت.
۲۸. صفوی، کوروش (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی، تهران: انتشارات سوره مهر.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). تفسیرالمیزان، چاپ دوم، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، قم: حوزه علمیه قم.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۲۰۰۵). مجمع البیان، چاپ اول، بیروت: دارالعلوم بیروت.
۳۲. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.
۳۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، محقق احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: ناشر مرتضوی.
۳۴. فیومی، احمد بن محمد (۲۰۰۰). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، چاپ اول، قاهره: دارالحدیث.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجره.
۳۷. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، منشورات دار الرضی.
۳۸. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
۳۹. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. قرطبی، ابو عبد الله (۲۰۰۰). الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۱. کروز، د. (۱۳۸۴). معنی شناسی زبان‌های دنیا، ترجمه کوروش صفوی، تهران: فؤاد.
۴۲. مراغی، احمد بن مصطفی (۱۴۱۹). تفسیر المراغی، بیروت: دارالفکر.
۴۳. مطیع مهدی پاکتچی، احمد نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸) «درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، پژوهش دینی، شماره ۱۸. صص ۱۰۵-۱۳۲.

۴۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۵. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). کشف الاسرار وعده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۶. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸). تفسیر آسان، چاپ اول، تهران: انتشارات اسلامی.

